



کارتون: محمد علی رجبی

خیلی
شروع ارزان تر
زندگی مشترک

کمیک / صفحه ۸

روزنوشت یک مسئول
درباره «با چیز» کردن قیمت ها

گیر کتی / صفحه ۴

شیر مادر و نان پدر
حالات مسئول!

سرکن / صفحه ۲



شربت‌ها قبل از اینکه تکانشان دهید، تکانتان می‌دهند!



خرداد: سازمان غذا و دارو اعلام کرد: چون نوسانات ارزی و تغییرات دوره‌ای قیمت مواد اولیه، چاپ قیمت ثابت روی جعبه را در عمل با محدودیت مواجه کرده است، هر شهروند می‌تواند با اسکن بارکد روی دارو از طریق اپلیکیشن «تیتک» قیمت مصوب آن را به صورت لحظه‌ای دریافت کند.

تیر: یک مادر بزرگ که تا دیروز جواب تماس‌ها را نمی‌داد، چون نمی‌دانست باید کدام دکمه‌گوشی نوکیا را خودش را فشار دهد، در بازار موبایل رؤیت شد.

وی درباره علت حضور خود در این بازار گفت قصد دارد یک گوشی هوشمند داشته باشد تا بارکد داروی فشارخونش را اسکن کند و ببیند قیمتش چقدر است! وی گفت چنانچه این گوشی را نخرد، ممکن است به خاطر نداشتن قیمت دارو از این دنیا وارد آن دنیا شود.

مرداد: وزیر ارتباطات گفت: راستش را بخواهید، قیمت دارو بهانه است و در واقع ما خودمان با سازمان غذا و دارو هماهنگ کردیم تا سطح سواد دیجیتال ملت را به صورت اجباری بالا ببریم و مهم‌تر از سلامتی این است که شما بتوانید قبل از رفتن به دیار باقی، اسکن کردن بارکد دارو را یاد بگیرید. **شهریور:** وزارت بهداشت اعلام کرد: اگر اینترنت قطع بود که معمولاً قطع است، قیمت لحظه‌ای دارو به صورت توافقی و بر اساس مرام و معرفت آن لحظه متصدی داروخانه تعیین می‌شود.

مهر: یک پژوهشگر اقتصادی اعلام کرد که اگر بیمه اجتماعی داشته باشید و امروز عصر دارو خریده باشید، از کسی که بیمه نداشته ولی صبح دارو خریده است، هزینه بیشتری را متحمل شده‌اید! وی همچنین به کسانی که مریض نشده‌اند، توصیه کرد با توجه به سرد شدن هوا و احتمال سرماخوردگی، در اولین فرصت و پیش از سرماخوردن قرص سرماخوردگی و شربت دیفن هیدرامین بخردند تا اگر بعداً سرما خورند، دچار شوک شدید مالی و رفتن به زیر خط فقر نشوند. **آبان:** سازمان هدفمندی یارانه‌ها اعلام کرد کسانی که به علت سرعت پایین اینترنت با چند ثانیه تأخیر دارو خریدند و مجبور شدند قیمت بیشتری برای داروهایشان پرداخت کنند، اگر به خاطر هزینه بیشتر دارو به دهک یک تا سه سقوط کنند، این سازمان بده‌جای ندارد تا یارانه آن‌ها را افزایش دهد.

آذر: سازمان غذا و دارو اعلام کرد بیماران پیش از اسکن قیمت دارو باید سی‌ثانیه تبلیغ ببینند تا قابلیت اسکن نرم‌افزار برایشان فراهم شود. چنانچه بیماری این ویدئو تبلیغاتی را رد کنند، نرم‌افزار اسکن برایش غیرفعال خواهد شد.

دی: سازمان غذا و دارو اعلام کرد برخلاف آنچه گفته می‌شود، قیمت دارو روی هوا مشخص نمی‌شود، بلکه قیمت دارو بر اساس قیمت نفت برنت دریای شمال، قیمت جهانی فلزات و همچنین آخرین نرخ اتحادیه طلا و جواهر به روزرسانی می‌شود!

شیر مادر و نان پدر حالت مسئول!

- سلام شیر!
- سلام نان!
- می‌گم شیر! چی شد که این جوری شد؟!
- چه جوری شد نون؟!
- این جوری شیر!
- چه جوری نون؟!
- مگه نمی‌بینی شیر؟! دارم با دست نشون می‌دم!
- اول اینکه تونونی و دست‌نداری! در ثانی، این مطلب مکتوبه، تصویری نیست که ببینم داری چی نشون می‌دی!

● آهان! ببخشین شیر! این قدر جوش شیرین خوردم که مخم پوک شده! منظورم این بود چی شد که سنگک و بربری و لواش و تافتون، شیر و ماست و دوغ و پنیر یکپهو شدن غذای لاچگری؟! مگه بشین دوغ رو بنوش، نیکه نبود؟! مگه نون ماست خوردن، نشونه فقر نبود؟! چرا نون و لبنیات این قدر گرون شده که همه شون شدن لاچگری و اعیونی؟!

● مگه بده نون؟! بایک تدبیر عالمانه، غذای فقراشد غذای پول‌دارا! این جوری فقر می‌فهمن که این همه سال داشتن غذای پول‌داری می‌خوردن و خودشون خبر نداشتن! واسه همین امید به زندگی و نشاط اجتماعی در بین بی‌پول‌افزایش پیدا می‌کنه!

● خب شیر! حالا که ساده‌ترین صبحانه، یعنی نون پنیر، لاچگری شده، پس به بقیه صبحانه‌ها چی می‌گن؟!

● نون پنیر چایی شیرین می‌شه فوق لاچگری! نون پنیرگردو می‌شه لاچگری پلاس! نون پنیرخامه‌ای می‌شه لاچگری پلاس توربو! هر کدوم هم که از سوپر بخرن، می‌شه سوپر لاچگری!

● پس تکلیف بقیه صبحانه‌ها که گرون‌تر بودن چی می‌شه شیر؟! ● اونا دیگه صبحانه نیستن نون! ارتقای درجه پیدا کردن و به ناهار و شام راه یافتن! غذاهایی هم که قبلاً ناهار و شام روزانه بودن، فصلی و سالانه شدن و در هر فصل یک بار یا سالی یک بار در شب عید خورده خواهند شد!

● می‌گم شیر! پس باید به برخی مسئولایی که در تشک اقتصاد، این جوری زیر یک خم مردم رو گرفتن و ملت رو ضربه‌فنی می‌کنن، بگیم: شیر مادر و نان پدر حالت مسئول!



کُخ تو رُخ



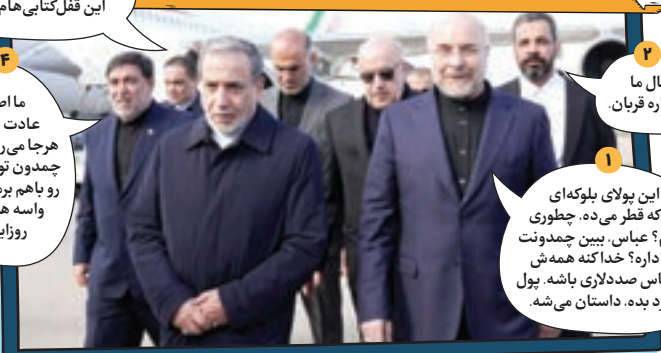
چهل و چهارمین سالگرد تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی



۲ بالاخره دانشجو هم باید برای آینده‌ش سرمایه‌گذاری کنه یا نه؟ تازه کلیه اون جوون‌تر هم هست، بیشتر برمی‌دارن!

۱ پدر می‌گن دیگه اون یه دونه کلیه‌شون هم برای تأمین شهریه دانشگاه شما جواب نمی‌ده دکتر! راهکار می‌خوان.

سفر قالیباف به قطر برای آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران



۲ مال ما جا داره قربان.

۱ این پولای بلوکه‌ای رو که قطر می‌ده، چطوری ببریم؟ عباس، بین چمدونت جا داره؟ خدا کنه همه‌ش اسکناس صد دلاری باشه. پول خرد بده، داستان می‌شه.

۳ ما چمدونمون خالی خالیه قربان تازه از این قفل کتابی هام داره.

۴ ما اصلاً عادت داریم هر جا می‌ریم سه تا چمدون توهم توهم توهم رو باهم برمی‌داریم واسه همین روزایی!

«قربانلق»؛ سنت دیرینه ترکمن‌ها در عید قربان



درشت چی برادر من؟ اینا همه‌ش باده! غمباده، بعدش گوشت داره می‌کشه. بالا شما دو روز دست نگه دار، با مابه‌التفاوت قیمتم می‌تونی دوتا دونه مرغ هم برداری.

استعلام کردم، قیمت لحظه‌ای دام زنده کیلویی ۷۰۰ تومنه. ماشالا خوب هم درشته‌ها، به ۵۰۰ میلیونی دست رو می‌گیره.

نشست خبری سخنگوی دولت



وای نه! دقیقاً برای همین می‌خوایم قیمتش رو واقعی کنیم. چیه نون؟ همه‌ش کربوهیدرات ناسالم، چاق می‌کنه!

احتمال کالاریگی شدن نان چقدره سرکار خانوم؟ مردم به نون رو سیر می‌خورن‌ها، یارانه اون رو هم بردارین، چی چی بخورن؟

به نوجوانان نخ ندهید!

هوش مصنوعی این قدر خطرناک است که حتی من هم حال نداشتم علیه آن چیزی بنویسم و دادم خود هوش مصنوعی برایم ردیفش کرد.

مؤثرترین قانون هفته: اتاق اصناف هم با یک حرکت استراتژیک، فروش سیگار نخ را ممنوع کرد تا نوجوانان هاسمت دخانیات نزنند. منطقشان احتمالا این است که نوجوانی که پول یک نخ سیگار را دارد، قطعاً توان خرید یک بسته کامل را ندارد و لذا می‌رود سراغ ورزش و چند سال دیگر نامش در فهرست تیم ملی دیده می‌شود. انگار یادشان رفته قانون ممنوعیت فروش دخانیات به افراد کمتر از هجده سال بیست سال پیش تصویب شده است. گویا وضع‌کنندگان این قانون از فروشنده‌ای که قانون ممنوعیت فروش به افراد کمتر از هجده سال را به هیچ جایش نگرفته است، توقع دارند از قانون ممنوعیت فروش نخ تبعیت کند!

هاشمیه مشهد گذاشته است. آنجا پیست زنده و پویایی داریم که هرچه به آخر شب نزدیک می‌شویم، پویاتر می‌شود و راننده‌های پراید و کوئیک طوری لایی می‌کشند که انگار ژن آن‌ها از روی مایکل شوماخر همانندسازی شده است؛ با این تفاوت که به جای خودروهای چند میلیون دلاری، با پراید و ۲۰۶‌های خسته و لاستیک‌های صاف و صوف، قوانین فیزیک را جابه‌جا می‌کنند.

مصنوعی‌ترین سوتی هفته: ماجرای پاپ و هوش مصنوعی هم در نوع خودش شاهکار است. عالی جناب پاپ بیانیه شدیدی علیه خطرات هوش مصنوعی صادر کرد، اما بعداً معلوم شد دست‌کم نیمی از متن را همان هوش مصنوعی کذایی برایش نوشته است. این حرکت دقیقاً شبیه پدری است که به پسرش می‌گوید: «یک ذره ادب داشته باش گوساله!» شاید هم پاپ خواسته است با این کار عمق نفوذ هوش مصنوعی را نشان دهد و بگوید: «ببینید،

آزادترین منطقه اقتصادی جهان: پس از رؤیت برخی قیمت‌های نجومی برای توت، رئیس اتحادیه بافروشان مشهد رسماً اعلام کرد توت زیر نظر هیچ اتحادیه‌ای نیست. این یعنی هرکس برود بالای درخت توت، درواقع وارد یک منطقه آزاد تجاری شده است. کسی هم که لنگه کفش به سمت شاخه‌ها پرتاب کند، درعمل درحال ثبت سفارش کالا از مناطق آزاد است و آن‌هایی که پارچه گل‌دار زیر درخت توت گرفته‌اند، حکم واردکنندگان گردن‌کلفتی را دارند که بدون پرداخت گمرک، بارشان را وارد می‌کنند.

یک‌ترین فرمول جهانی: همان طور که در سایت‌های خبری می‌چرخیم، خبری با این عنوان نظرمان را جلب می‌کند: چرا مسابقات جهانی فرمول یک در خیابان‌های معمولی برگزار نمی‌شود؟ نویسنده احتمالاً همه عمرش را پای اینترنت گذرانده و پایش را به بولوار وکیل‌آباد یا



امیرحسین پنجه‌باشی

سُر سُر

مخبر الشعرا

لته

در حاشیه ترافیک میانجیگران بین ایران و آمریکا

میانجیگران خاورمیانه

دوستان، ظاهراً ایران اینترنت رو باز کرده و پزشک‌ها گفته بعد از این امتیازی که به مردم داده، دیگه ایرانی‌ها هیچ امتیازی نمی‌خوان و مذاکره کنسله.

اوپس! بدبخت شدم که! چون مایکی به اینا بگه بیان توافق کنن! اشتراک پولی چت جی‌پی‌تی هم تموم شده، دیگه حتی نمی‌تونم به تصویر تهدیدآمیز درست و حسابی علیه ایران بذارم.

بذار الان بایه‌آفر VIP و به چمدون پر از ضمانت‌نامه‌های جدید خودم می‌رم وسط، کاررو درمی‌آرم.

حاجی، فدای دستت، سواره‌یه توک یا ترمز کن، منم بپریم بالا. هزینه سوخت هواپیما و حشتناک شده، باهم بریم که «دنگی» حساب کنیم و منم پیشنهادم رو بدم.

به به! می‌بینم که پیر میانجیگری رو از گروه انداختین بیرون و دارین خوش می‌گذرونین! 🤔 باشه، ولی تهش که به بن بست خوردین، باز باید بیاین سراغ خودم!

وقت شوخیه الان؟ به گلی به سر بگیرین این تنگه باز شه. اقتصاد از دست رفت.

خب آخه مرد حسابی، مگه مریضی؟ دیوونه‌ای که با ایران وارد جنگ می‌شی که بعدش بخوای این جوری التماس میانجیگری کنی؟

بچه‌ها... به خبر بد، این طرح جدید هم مردوده.

چرا آخه؟ من که حتی توی متن پیشنهادی، فونت رو هم عوض کردم. تازه نقطه هاش رو هم با ممداد گلی گذاشتم که خوششون بیاد!

قربان، ایشون یک شخص خیلی رده بالاست، به نام نقی معمولی که ظاهراً مخالفه.

بابا اون که راننده نماینده مجلس بود.

جدی؟! ما چند وقته داریم با اون مذاکره می‌کنیم که!

نننننهههه! چطور نفهمیدین؟! 🤔

بابا خیلی خودش رو بالا می‌گرفت. می‌گفت به خونه ش هم حمله شده.

بابا اون توی یک فیلم بود. اتفاقاً داریم نسخه چینی‌ش رو هم می‌سازیم.

left the group ترامپ

همیشه‌ری: آمدم کتک خوردن، تنگه هرمنز را راندم، دست خالی برگشتم (خبرفرا)

هر کجا گرچه پی نفتی ترامپ
دائماً در حال پسرقتی ترامپ
درس عبرت شد برایت یا که نه؟
آمدی، خوردی کتک، رفتی، ترامپ

دولت شبیر را گران کرد (خبرگزاری فارس)

گاه بر ما ریشخندی می‌کنی
کار زشت و ناپسندی می‌کنی
دولتی، با ماست بندی‌ها ولی
دائماً هی گاوبندی می‌کنی!

عقب‌گرد خوردن از قیمت‌های کاغذی (خبرفوری)

واقعاً بر حال من باید گریست
لنگه فرغون من در دهر نیست
مثل کاپوت و دو گلگیر و درش
قیمتش هم تازگی‌ها کاغذی ست!

سهام کاربران آیفون در ترافیک اینترنت به شکل ناگهانی افزایش یافته است (آی تی رسان)

هر کی آیفون داره کانفیگ می‌خوره
یک دو گیگ هم نه، هزار گیگ می‌خوره
مثل ما نیست باشه گیر یک پراید
خواسته باشه فانتوم و میگ می‌خوره

سختگوی صنعت آب: قیمت فعلی آب مشقوق اسراف است (خبرگزاری مهر)

عزیزم، ای سختگوی نمونه
بده اسراف، اینو هر کس می‌دونه
گرون کن آب روزودتر، برادر
چرا می‌گردد دنبال بهونه

روز نوشت یک مسئول در باره «باچیز» کردن قیمت ها

گپ (۱)

آقای حبیب اسماعیلی، تهیه کننده و پخش کننده سینما، گفته است: «افزایش قیمت بلیت سینماها در برابر اجناس دیگر ناچیز است». آدم یاد ضرب المثل های قدیمی می افتد که «هیچ ماست بندی نمی که ماست من ترشه» و «مادر سوسکه قربون دست و پای بلوری بچه ش می شه» و «دیگی که برای من نجوشه...» نه، این یکی به این قضیه ربط چندانی ندارد! این صحبت واکنش های زیادی را در بین اهالی سینما، تئاتر، کنسرت، هنرهای تجسمی، هنرهای دستی، هنرهای رزمی، هنرمندان، هنربندان، بی هنران، هنرواران و... ایجاد نکرد! نه، پس توقع داشتید در این وضعیت، این حرف ها بین مردم واکنش ایجاد کند؟ کم بدبختی و دغدغه و فکر و خیال داریم که نگران قیمت ناچیز بلیت سینما هم باشیم؟ چون این صحبت ها را کسی تحویل نگرفت، سری زدیم به دفتر خاطرات یک مسئول که کارش باچیز کردن قیمت هاست تا ببینیم بلیت سینما چیز است؟

گران کن ناچیز را

بعد از گزارش ما قرار شد قیمت بلیت سینما را درست کنیم. حرفشان این است که همین یک قلم گناهکار بوده که ناچیز مانده است؟ مگر بلیت سینما چه فرقی با پوشال کولر و لپه خورشتی و روغن مایع و آب رادیات و کش تنبان و باتری نیم قلمی و تنباکوی قلیان دارد؟ وقتی قیمت همه چیز چند برابر شده است، خب بلیت سینما را هم گران کنید تا ناچیز نباشد و این آقای تهیه کننده هم اعصابش خرد نشود، هنرمندان هم لنگ یک لقمه نان و استیک و گوشتی آیفون و ماشین وارداتی نمانند.

یک بلیت برای دو تا قلقلی

پس از حرف های آن تهیه کننده، دستور دادند بررسی کنیم آیا بلیت سینما ناچیز است؟ الان با این حدود ۲۰ هزار تومان بلیت سینما، چه کار می شود کرد؟ فووش یک گیگ کانفیگ بگیریم که خب اینترنت وصل شد و دیگر به درد نمی خورد. یا یک بسته چیپس بگیریم که نصفش هواست و بقیه هم خرد شده است و کلش می شود یک مشت و تمام. یا یک مشت گوشت چرخ کرده بگیریم که ازش دو تا قلقلی دربیايد و بعد که سرخ کردیم و چربی اش آب شد، اندازه دو تا پسته شود. یا اصلا دو تا پسته بگیریم که اگر پوک نباشند، لای دندان گیر می کنند و هیچی به هیچی. پس دیدیم که قیمت بلیت سینما ناچیز است.

بلیت ناچیز برای دسته صندلی

جمع بندی راهکارها این شد که اول قیمت بقیه چیزها را کم کنیم تا قیمت بلیت سینما در برابر آن ها ناچیز نباشد. که خب این کار نشدنی است. بعد گفتیم بندهایی به قیمت بلیت اضافه کنیم تا جبران مافات کند؛ مثل عوارض شهرداری و کارمزد بانک و دستمزد صدور آنلاین و هزینه نوسازی سینما و صندوق انجمن بلیت فروشان بازنشسته و آن ها که کف سالن سینماها در ستانس های آخر شب می خوابند و چند تا بند تخصصی دیگر مثل حق دولت و لطف ملت و تبصره ۱۰ و ماده ۲۰ و این چیزها. در کنار آن ها می توان گزینه های دیگری هم اضافه کرد؛ مثل بلیت سینمای پرو و وی آی پی که گران تر است و روی بلیت پف فیل و آب میوه هم می دهیم، یا زمان فیلم را نصف کنیم و برای هر نصفه یک بلیت بگیریم، یا برای آن هایی که بلیت کل سالن را یک جا می خرند، تخفیف در نظر بگیریم. یا بلیت نیمه بها برای تماشاگر غیر حضوری فیلم بفروشیم برای آن هایی که به سینما نمی آیند و فیلم را دانلود می کنند. یا تماشاگرانی که یادشان می رود بیایند سینما، یا آن هایی که می آیند ولی روی صندلی نمی نشینند، یا دسته صندلی را به شخص کناری می دهند یا توالی نمی روند و آب مصرف نمی کنند. همچنین پیشنهاد دادیم اگر کسی بلیت یک سال یک سالن را پیش خرید کند، از آن تر حساب کنیم. راهکارها را به آقای رئیس گفتیم و خیلی خوشش آمد.

کار گروه ماهیتابه ای

امروز مشغول صبحانه خوردن در اداره بودیم که یکی تلفن زد. معمولاً وقت صبحانه در اتاق را قفل می کنیم که مزاحم ارباب رجوع نشویم و از بوی املت ربی ما معذب نشوند و با دیدن ما در حال خوردن سوسیس تخم مرغ، هوس نکنند. منشی آقای مدیر بود. فوری دهنم را پاک کردم و به اتاق آقای مدیر رفتم. گویا به ایشان فشار آورده اند که نباید بلیت سینما را گران کنیم. ایشان هم چند راهکار سریع خواستند تا جلو ضرر سینما داران و تهیه کنندگان را بگیریم؛ به خصوص سرمایه گذاران فیلم ها که چندتایی از آن ها از اقوام و دوستان آقای مدیر هستند. فوری همان جا دور ماهیتابه یک کار گروه تشکیل دادیم.



فرهنگ شهروندی

فرزانه زینلی

آیین نامه استفاده حداکثری
از آدم حسابی ها

نو کریم به مولا!

۳. تبدیل کنید

مردم گاهی رویشان نمی شود واضح نقش خودشان را توضیح بدهند. مثلاً اگر کسی یک بار شما را رساند، از فردانشانی خانه اش را به عنوان تاکسی اینترنتی ذخیره کنید. صمیمیت یعنی حذف مرزها و تمرکز روی نقش های جدید!

۴. تعارف نکنید

با همسایه و دوست و آشنا، رفیق باشید. وقتی هر هفته دریل، نردبان یا شارژر لازم دارید، خریدنش چه ضرورتی دارد؟ جامعه بر پایه اشتراک منابع بنا شده است؛ به خصوص منابع رفقا!

۱. ناپدید شوید

وقتی از دوستی پول قرض گرفته اید، دیگر زیاد توی دست وپایش نباشید. چون از یک طرف پاسخ دادن به تلفن، شان بدکار حرفه ای را پایین می آورد. و از طرف دیگر طلبکار بنده خدا معذب می شود. اصلاً طلبکار باید اندکی در تعلیق و ابهام زندگی کند تا قدر پولش را بداند!

از اینکه تشکر کنید، متشکریم

دکتر پزشکین گفته اند از مردم بابت صرفه جویی در مصرف انرژی تشکر می کنیم. البته که تشکر ایشان دردی از ما دوا نمی کند و با تشکر آب و برق و گاز و بنزین زیاد نمی شود، ولی همین که یک مسئول از ما تشکر می کند و مثل بقیه همه تقصیرها را گردن ما نمی اندازد و وعده سر خرمن نمی دهد، خودش پیشرفت بزرگی است و مایه افتخار ماست. پس ما هم سعی می کنیم علاوه بر صرفه جویی در مصرف انرژی، از بقیه تشکر کنیم. در زیر به چند تشکر ما توجه کنید.



کارتون: شهرام شیرزادی

تشکر از فروشندگان بابت رعایت انصاف

انصافا نباید از فروشندگان با انصاف هم غافل شد و تشکر نکرد. آن هایی که هر روز صبح با باز کردن درب فروشگاه، اخبار را رصد می کنند تا ببینند قیمت دلار چقدر بالا رفته است تا خودشان هم قیمت محصولات و خدماتشان را بالا ببرند، از قند و دسّمال توالّت و کنسرو لوبیا گرفته تا وصله زدن کفش و تعمیر خازن تلویزیون و کرایه مسیر هر روزه و سیم پیچی موتور کولر و قفل درب ماشین و پر کردن دندان و هر چیز دیگری که به دلار و طلا ربطی ندارد. واقعا شما چه کسی را می بینید که این قدر دقیق و سریع قیمت هر چیزی را بلافاصله طبق نرخ روز جهانی تغییر دهد؟ این زحمات تشکر ندارد؟

تشکر از مسئولان بابت اینترنت

ما هم وظیفه داریم در برابر لطفی که مسئولان به ما داشته اند، تشکر کنیم که پس از ۸۸ روز، اینترنت نصف ونیمه و فیلتر شده مان را بهمان بازگردانند. اصلا ایشان خیلی راحت می توانستند بگویند نیازی به اینترنت نداریم و لازم نیست همه آنلاین باشند و همین که برخط باشید، کافی است. یا همین قیمت مناسبی که برای اینترنت پروتصویب کرده بودند، می توانستند این ها هم مانند کانفیگ فروش ها هر گیک را چند صد هزار تومان بهمان بدهند. ولی لطف کرده و ارزان حساب کردند. حتی همین روزهای آخر که دیگر می دانستند نت آزاد خواهد شد و کسی اینترنت پرو نمی خواهد، باز هم قیمت را کم نکردند تا در حق آن هایی که خرید قبل داشتند، اجحاف نشود و فکر نکنند کلاه سرشان رفته است!

تشکر از خودروسازان بابت هیپی

زشت است که از همه تشکر کنیم، ولی از این قشر محترم با احساس مسئولیت بالا تشکر نکنیم؛ همین کسانی که خودروهای خارج از رده خود را با قیمت های خارج از مدار به خریداران پیش فروش کرده اند تا خدای نکرده کسی بدون ماشین نماند. تصور کنید بچه ای کنار خیابان ببیند هم کلاسی اش سوار خودرو داخلی پدر خودش می شود و در را چند بار می زند تا بسته شود و پدر هم چند بار استارت می زند تا ماشین روشن شود. آن بچه اولی که ماشین ندارند، چه حس بدی بهش دست می دهد؟ یا حتی وقتی چند خیابان بعدتر می بیند ماشین پدر بچه دومی بی خود و بی جهت وقتی پارک بوده، آتش گرفته و بچه دومی گریه می کند و پدرش مشغول دلداری دادن به فرزندش است. در حالی که پدر بچه اولی اصلا ماشین ندارد که بخواد آتش بگیرد تا بچه اش را دلداری بدهد. واقعا مرسی از خودروسازان.

تشکر از مدیران بابت بیمه بیکاری

در خبرها آمده بود که چند ده هزار نفر بیکار شده اند و دنبال گرفتن بیمه بیکاری هستند. واقعا اگر این مدیران نبودند که تعدیل نیرو کنند و هزاران نفر را از کار برکنار کنند، چطور آن ها می توانستند بیمه بیکاری بگیرند؟ اگر بیکار نمی شدند، خیلی خوب و بموقع حقوق می گرفتند؟ اصلا کار و کاسبی به راه بود که کارفرما بتواند حقوق بدهد؟ حالا به این کار نداریم که چه کسی باعث بیکاری این ها شده است و آیا نوبتشان می رسد که بیمه بگیرند یا نه، ولی همین که بیکار شده اند تا بتوانند حقوق بیکاری بگیرند، خودش از لطف مدیران است.

۴. خلّاقیت داشته باشید

وسایل قرار است گذر عمر ما را نشان بدهند. گاهی حتی وسایل دیگران هم می توانند عمر ما را نشان بدهند! مثلا کتاب را با خط خطی، ظرف را لب پر و لباس را با بوی غذای هفته گذشته تحویل دهید. این یعنی شما در لحظه زندگی کرده اید!

۵. دلخور شوید

طلبکار نباید پیگیر باشد. این کار فضای معنوی اعتماد را خراب می کند. اصلا شما باید هی اصرار کنید و طلبکار کلا نپذیرد! در این جور مواقع بهترین دفاع، رنجیدن ناگهانی است.

۶. خوش بین باشید

دنیا جای آدم های خوب است و شما هم تا می توانید از این خوبی استفاده کنید. اعتماد، احترام و خوش حساسی را مثل هوای رایگان مصرف کنید. وقتی هم تمام شد... خب تمام شده است دیگر!



همراه اول در پیامی به کاربران اینترنت پرر و:

می توانید اینترنت خود را به حالت قبل برگردانید

کم رو یا نیم رو صفحه ۶

مدیرعامل توانیر:

تضعیه مصرف ۷۵ درصد

مشترکان

زیر الکتریسیته مصرف

بریز برق است

لذا راحت می توانند

گوشی را شارژ کنند

قطعه بندی مرغ

بدون رضایت خروس

ممنوع شد

آموزش و پرورش:

آزمون های مجازی دوره متوسطه در شبکه

چون مراقب پراکت بالای سر دانش آموز نیست، با

شادی و نشاط بسیار برگزار می شود

رئیس سازمان نقشه برداری کشور:

دریای خزر از وقتی اشتباهی از دستم یک ساعه طلایی افتاد داخل

کم آب شده است

ترامپ

چون می ترسید روی صندلی اس بنور گذاشته باشند

مکان نشست مربوط به ایران را تغییر داد

افزایش قیمت

هر قدر هم باشد

در مقابل باران ای نه

ما هیچ کس را نمی شناسیم

می گیریم

برای رفاه بیشتر دانش آموزان

امتحانات غیر حضوری

در بستر خواب

انجام می شود



۹ خرداد ۱۴۰۵ / شماره ۱۷۴

آرپا بی ریا

پیرا

در حاشیه اتصال مجدد اینترنت بین الملل و وضعیت کانفیگ فروش ها

۸ برو عامو، نمی خوام.

بعد از اتصال اینترنت

قبل از اتصال اینترنت

۱ داداش، چون ما این کانفیگ رو از روزن تر حساب کن. نیاز برای مریض می خوام!

۳ می کم تخفیف بده لامصب.

۲ زیرکی یک میلیون همه ش ضرره راه نداره اصلا.

۴ از جلو چشمم خفه شو!

۵ اوه! خبر جدید «اتصال اینترنت...»

۶ چرانت رو به این زودی وصل کردن؟

۹ چون ما بخر، «ایگیک» رواب داره، هر بلیت رفت و برگشت کیش و پارک دلینا هم روزه، بخر دیگه.

۷ تو رو جان اولادت، صد گیگ می دم نامحدود، هزار کاربره، ۲۵۰ تومن. بخر، ضرر نمی کنی، بچه مریض دارم، پول دارو ندارم.

تاسوس

موش کور ستاره پوزه، سریع ترین غذا خور جهان است که در یک دهم ثانیه، یعنی کمتر از یک پلک زدن، شناسایی، شکار و بلعیدن طعمه را انجام می دهد. (عصر ایران)



شهروند

فرشته شاهین

بالاخره یکی رکورد سرعت جهاد کشاورزی رو جابه جا کرد؛ سرعت افزایش، نه ببخشید اصلاح قیمت لبنیات، توی بازار دقیقا به همین تایمیه. یعنی شما به پاکت شیر برمی داری از مغازه می آیی بیرون، همون لحظه قدی چشم به هم زدن، شیر رو بتونی برگردونی مغازه پس بدی، با مابه التفاوت اصلاح قیمتش می تونی سه تا قسط وام مسکن جلو بیفتی!

وزیر جهاد کشاورزی

مخلصیم! به همت نیروهای خدمت مادر وزارت جهاد، با همون سیاست خودکفایی در عرضه گوشت قرمز، داریم توی لبنیات هم خودکفا می شیم؛ این طوری که این قدر قیمت رو اصلاح می کنیم، این قدر اصلاح می کنیم، نه از این مدلا دور سفیدا، قشنگ کچل کچل که شد عین گوشت! ۵۰ درصد مشتری ریزش می کنه، بعد هم دیگه همون تولید داخل جواب می ده و از واردات بی نیاز می شیم.

وزیر انصافات

به از شما نباشه، توی وزارت ما هم سرعت حرف اول رو می زنه. از اون روز که اینترنت قطع شد، به مردم این وعده رو داده بودیم که در اولین فرصت وصلش می کنیم و خودتون شاهدین دیگه در کمترین زمان ممکن، حتی نداشتیم به سه ماه بکشه، توی هشتاد و نهمین روز اینترنت رو به خونه هاتون برگردوندیم. الوعه وفا.



توپ

و توافق، چه جام جهانی! ترامپ گفت: «ولی ما تا کنیکای قلعه نویی رو آنالیز کرده بودیم! پس اون چی؟» توی دلم گفتم: «اینا ایران رو هم همین جوری آنالیز کرده بودن که فکر می‌کردن مشهد و تهران رو دوروزه می‌گیرن!» و بعد گفتم: «قلعه نویی برای زمین صاف خوبه! برای تپه‌هایی که شما برای جام جهانی آباد کردی، خوب نیست!» ترامپ گفت: «حالا برای خودت می‌بری و می‌دوزی؟! کی شما رو راه داد جام جهانی؟! مگه من می‌ذارم؟!» گفتم: «باز شیشکی دیپلماتیک لازم شدی ها عمو ترامپ! اولاً که فعلاً قراره بریم مکزیک، افتخار نمی‌دیم به شما. ثانیاً اونجا باشیم، به ضرر خودتونه. جیپسی کینگ یه «آمامو» می‌خونه و بازیکنای ایرانی هم که هیجانی، موج‌مکزیکی می‌گیرتشون، بعد می‌بینی از کناره خلیج مکزیک استارت می‌زنن و تا خود واشنگتن توپ رو حمل می‌کنن و شلیک به سمت تور و تووووووی دروازه، تووووووی دروازه. می‌بینی علی‌فرد که داره گزارش می‌کنه و خیابانی می‌گه «ترامپی که در حین سیگار کشیدن گور می‌گرفتی همه عمر و تصویرت از شبکه سه پخش شد، به من زنگ بزن!» و تو زیر خاکسترا می‌خوای زنگ بزنی که می‌بینی بازیکن ما توپ فوتبال، توپ صدا دار حمل کرده و به دروازه‌تون شلیک کرده! از ما گفتن بود. خودت می‌دونی دیگه!...»

(ادامه دارد)

تصمیم گرفته بودم به عنوان یک گزارشگر شگر بروم آمریکا و جام جهانی را گزارش کنم. پس با کلی مدارک جعلی خودم را به عنوان نماینده ایران برای توافق آتش‌بس معرفی کردم تا وارد آمریکا شوم. پس از مذاکرات اولیه و یک تنفس (از بس که کله ترامپ بوی فورمه سبزی و حتی قیমে می‌دهد! دهانش هم که بوی شیر و مک‌دونالد!) قرار بود دوباره با ترامپ مذاکره کنم. ترامپ در زمین گلف مشغول بازی بود که همراه محافظ آمریکایی رسیدیم. ترامپ گفت: «توی جام جهانی خودم تیمتون رو آبکس می‌کنم!» گفتم: «توی جنگ جهانی نتونستی، توی جام جهانی هم هیچ غلطی نمی‌تونی بکنی...» گفت: «خب جام جهانی کشتی بود، حرفت درست بود، ولی توی گلف هیچی نیستین.» گفتم: «باز چیزی زدی؟! جام جهانی فوتباله ها، نه گلف!» گفت: «من می‌گم جام جهانی چی باشه! اصلاً می‌گم بیان توی همین زمین گلف که پستی و بلندی داره، با همین توپ گلف، فوتبال بازی کن.» گفتم: «چه بهتر! ما ایرانیا استاد گل کوچیکیم! زمینای فوتبالمون هم این قدر چاله چوله داره که از زمین گلف چیزی کم نداره! یه غلام پیروانی کم داریم که می‌آریم هم مدیر فنی و نیمکت، علی پروین هم مدیر فنی و بکش زیرش! مثل همین توپ‌گلفی که الان زدی زیرش! بزنی زیرش، می‌زنیم زیرش! چه برجام باشه، چه آتش بس



دیر انجمن صنعت گوشت: ریزش ۵۰ درصدی مشتری، ایران را در گوشت قرمز خودکفا کرده است.

وزیر نیرو: یه کم دیگه وسایل برقی هم گرون بشه که مردم دیگه نتونن بخرن، در زمینه برق هم خودکفا می‌شیم.

اتحادیه لبنیات: این جوری که لبنیات داره گرون می‌شه، احتمالاً خودکفایی که هیچ جای هلند رو هم در صادرات لبنیات می‌گیریم.

جواد خیابانی: خدارو شکر ما خیلی وقته در همه چیز «خودکفا» شدیم، می‌ریم بیرون قیمتا رو می‌بینیم، یکهو کف می‌کنیم.

جواد خواجه‌جو: تیره مگه درم؟! با ای قیمتای گوشت، ما دگه از خودکفایی رد کردم، رفتم توی کار فتوستنر.

بزشکیان: دولت مشکل اینترنت رو که واجب بود حل کرد، باقی مشکلات رو توی گوگل سرچ کنین. وقته یه کم توی حل مسئله خودکفا شین.

سازمان آرامستان‌های کشور: ایول! اصلاً ما هم برای همین قبر رو گرون کردیم که مرگ و میر کم بشه.

همتی: با سیاست‌های جدید ما، این قدر وام ازدواج رو نسبت به تورم ثابت نگه می‌داریم که کم‌کم تقاضا و صفش بریزه.

ایران خودرو: خدارو شکر بازار ما به مشتری وابسته نیست، اصلاً ریزش نداره، هرچی تولید کنیم رو هوا می‌برن.

میرسلیم: مردم اگه گوشت ندارن، به جاش تون بخورن، هر دو آدم رو سیر می‌کنه و عملاً هیچ تفاوتی هم نمی‌کنه.

ایجو، مگفتن

مهدی محمدی

فرمانده سنتکام پس از درگیری‌های پنجشنبه شب در خلیج فارس:
درگیری‌ها به صورت محدود بود و نقض آتش‌بس محسوب نمی‌شود.
(مهر)



بازیکن فوتبال:

از دو تا دستی که دارم، به صورت محدود فقط یک دستم به توپ خورد. این اتفاق ه‌ند محسوب نمی‌شود.

یک مته‌م:

خواستم ببینم اگر ۱۰هکتار زمین خشخاش بکارم، پیامک ممنوعیت کشت دوباره می‌آید یا خیر! این پرورش گیاهان مخدر محسوب نمی‌شود.

دانش آموز:

من فقط خواستم ببینم دستخط من خرچنگ قورباغه‌تر است یا دستخط نفر جلویی و کناری. این تقلب موقع امتحان محسوب نمی‌شود.

پزشک جراح:

خواستم کمبود آهن بدن بیمار جبران شود. این جا گذاشتن قیچی در شکم مریض محسوب نمی‌شود.

کاریکاتورپست پلخمون:

من فقط خواستم ببینم تا چه اندازه می‌شود دماغ مسئولان را بزرگ کشید. این رد کردن خط قرمز محسوب نمی‌شود.



کارتون: شهرام شیرزادی

ایده: تحریریه پلخمون

کمیک



مجید رحمانی صانع

لسان العیب

دفاع وزارت ارتباطات از گرانی اینترنت
طنز تلخ مدیریتی است (جراید)

طناز

«طناز من ای ناز من ای ناز»
ای نازترین وزیر طناز!
ای آن که مثال من تو بودی
یک عمر همیشه طنزپرداز
ای آن که نداشت ارتباطات
یک لحظه وزارتت از آغاز
ای آن که نتت همیشه قطع است
در مشهد و لار و کیش و شیراز
تنها نه به لار و کیش و شیراز
درگنبد و بیرجند و اهواز
ای آن که بدون فیبر نوری
هستی پی افتتاح هر فاز
شاید زده است سیم ها را
در نیمه ی راه یک نفرگا!
ای باعث رشک لاک پشستان
ای با حلزون همیشه دمساز
آوازه شهرت تو رفته
تا آن ور کوه های قفقاز
از دست تو می خرنند دائم
کانفیگ، علیرضا و الناز
هرچند که سرعت نت تو
بوده ست همیشه حاشیه ساز
با این همه از لحاظ قیمت
الحق که همیشه هست ممتاز!
ای طنزنویس خوش قریحه
همکار عزیز ناز و لجباز!
یک بار بیا بکن تو نیکی
یک بار بیا به دجله انداز
یعنی که بشین کج و بگو راست
افشا بنما برایم این راز
طناز چه سان وزیر گردد؟
این پست چگونه گردد احراز؟

با این قیمتای شونصد میلیونی لوازم خانگی و جیبای خالی زوجین،
شروع زندگی مشترک نیاز به هوشمندی زوجین و تبدیل تهدیدها به
فرصت نیاز داره؛ این جوری که:

خیلی
شروع ارزان تر
زندگی مشترک

سفره عقد ساده



خرید اقساطی



خرید اشتراکی



بعضی لوازم می تونن به جای نو، در حد نو باشن



استفاده از واقعیت مجازی



استفاده از حامی مالی



شوخی



الهی! به ما که چشمانمان به صف
خرید لکسوس ۱۱۰ میلیاردی خیره شده و از قیمت
سرسام آور پوشک و شیرخشک، خشکمان زده است،
فقط و فقط رحم کن!

پلخمون

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیرمسئول: سیدمحمود موسوی مهر
سرمدیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر: سیدمحمود؛ ارزنگ رحمانی
دبیر پلخمون: مجتبی زنجیری
مدیر هنری: سید هاشم دلفین
گرافیک و صفحه آرایی: ملک جمعی
ویراستاری: علیرضا میرزاد

پیشگفتار: ۳۰۰۷۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahrarnews.ir

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا